

یک سیب نه چندان شیرین!

انسیه موسویان



عنوان کتاب: یک سیب شیرین
عنوان کتاب: در حیاط ما
شاعر: غلامرضا بکتاش
ناشر: سوره مهر
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۷
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۲۴ صفحه
بها: ۵۰۰ تومان

عنوان کتاب: با دعای باران
شاعر: غلامرضا بکتاش
تصویرگر: گلنار ثروتیان
ناشر: مدرسه
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۷
شمارگان: ۳۲۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۲۸ صفحه
بها: ۱۴۰۰ تومان

شناخت مخاطب

اولین اصلی که در آفرینش هر اثر برای کودکان و نوجوانان، باید مد نظر شاعر یا نویسنده قرار بگیرد، «شناخت مخاطب» است. شاعری که برای کودک و نوجوان می‌سراید، باید آگاهی و شناخت کاملی نسبت به کودک، روحیات و علایق او، زبان و موضوعات مورد علاقه‌اش و... داشته باشد و تنها دانستن قواعد شعری و تسلط بر عناصر شعر و در مجموع «شاعر خوب بودن» برای این کار کافی نیست.

نکته‌ای که قبل از هر سخن باید بدان اشاره شود، این است که سروده‌های بکتاش در این سه مجموعه، نشان می‌دهد او شاعری خلاق و مبتکر است و همواره به دنبال نگاه نو به موضوعات و بیان کشف‌های جدید و خلاقانه است. اما ظاهراً این نکته را از یاد برده که اولاً هر کشف شاعرانه‌ای قابلیت شعر شدن برای کودک را ندارد و ثانیاً برای بیان چنین کشف‌هایی در قالب شعر، باید تسلط کامل و کافی بر زبان شعر- هم به‌طور عام و هم زبان خاص کودک- داشت. در غیر این صورت، ابتکار و خلاقیت شاعر به هدر خواهد رفت و مخاطب هم نخواهد توانست با آن ارتباط بگیرد و از آن لذت ببرد.

دو کتاب «یک سیب شیرین» و «در حیاط ما» آن‌گونه که ناشر در شناسنامه کتاب مشخص کرده است، برای گروه

غلامرضا بکتاش، از جمله شاعران جوان عرصه شعر کودک و نوجوان است که در سال‌های اخیر، شاعری فعال و پرکار بوده. دلیل این مدعا، مجموعه شعرهای فراوان و متعددی است که وی- به ویژه در سال گذشته- روانه بازار کرده است. البته صرف پرکار و فعال بودن، نمی‌تواند نقطه قدرت و مثبتی برای شاعر محسوب شود. توجه بیش از حد به کمیت، گاه ممکن است کیفیت را تحت تأثیر قرار دهد و شاعر را از توجه به سایر ارزش‌ها و جنبه‌های ادبی و هنری اثر غافل کند.

در این مجال، قصد داریم نگاهی بیندازیم به سه مجموعه شعر از بکتاش: «با دعای باران» که توسط انتشارات «مدرسه» منتشر شده و «یک سیب شیرین» و «در حیاط ما» که سوره مهر روانه بازار کرده است.

با نگاهی اجمالی به این سه مجموعه، می‌توان دریافت که متأسفانه بررسی دقیق و کارشناسانه ادبی و هنری از سوی ناشران در چاپ این مجموعه‌ها صورت نگرفته است و شاید تنها به صرف شناختی که از شاعر و آثار گذشته او وجود داشته، آثار مورد قبول قرار گرفته‌اند. بسیاری از اصول و معیارهای خاص کتاب‌های کودک و نوجوان، در انتشار این کتاب‌ها رعایت نشده که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

موارد، تنها به صرف قافیه شدن کلمه‌ای با کلمه دیگر، بدون در نظر گرفتن نقش کلیدی واژه‌ها و بدون توجه به دایره واژگانی مخاطب و سطح درک و شناخت او گزینش شده‌اند. به عبارت دیگر، شاعر برای بیان مفهومی که در ذهنش بوده و کشف شاعرانه‌ای که قصد بیان آن را داشته، به دنبال بهترین و مناسب‌ترین واژه‌ها نگشته، بلکه از دم‌دست‌ترین و معمولی‌ترین کلمات استفاده کرده است که به نمونه‌ای از این موارد اشاره می‌شود:

در بساطشان

قند و نان و کاج

داد می‌زنند

جنس‌ها حراج

(در حیاط ما، ص ۲۱)

«کاج» معمولاً نمی‌تواند جزء بساط مورچه‌ها باشد و ضمناً کلمه «حراج» در دایره واژگانی مخاطبان این کتاب نمی‌گنجد.



ماندم سر خاکش

در باد پاییزی

با دانه‌ای خرما

با نقل گشنیزی

(با دعای باران، ص ۲۳)

کلمه «گشنیزی» به احتمال زیاد این‌جا برای هم‌قافیه شدن با «پاییزی» آمده و جایگاه محکمی در ساختار معنایی جمله ندارد.

ج- کاربرد نامناسب آرایه‌های ادبی:

استفاده از صنایع شعری و آرایه‌های ادبی، در شعر کودک و نوجوان نیز همانند شعر بزرگسال مورد توجه است، اما همان‌گونه که محمود کیانوش، در کتاب شعر کودک در ایران، می‌نویسد، همه صنایع و آرایه‌ها، برای این طیف از مخاطبان، مناسب و قابل استفاده نیست. هدف از کاربرد آرایه‌های ادبی،

سنی «ب» و «ج»، یعنی کودکان مقطع دبستان سروده منتشر شده‌اند. هم سروده‌ها و هم تصاویر کتاب نشان می‌دهند که قطعاً کودکان دبستانی، در برقراری ارتباط با این کتاب‌ها دچار مشکل خواهند شد. این مشکل در وهله اول، به ظاهر کتاب‌ها و تصویرگری گرافیکی کتاب‌ها مربوط می‌شود- که در جای دیگر به آن خواهیم پرداخت- و در وهله بعد، به سروده‌های کتاب برمی‌گردد. اشکالات فاحش زبانی و ضعف‌های فراوان در جمله‌بندی شعرها، یکی از مشکلات اساسی سروده‌های این دو مجموعه است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.



الف- به هم‌ریختگی اجزای جمله و جابه‌جایی ارکان:

روبه‌روی من

در آپارتمان

دست می‌دهد

دختری تکان

(در حیاط ما، ص ۸)

بابا نشسته

بر روی تخت است

اصلاح بابا

یک کار سخت است

(یک سیب شیرین، ص ۸)

خانم به من گفت

امروز راضی

پوچ است بی تو

مغز ریاضی

(یک سیب شیرین، ص ۲۱)

ب- سهیل‌انگاری و بی‌دقتی در انتخاب کلمات:

بسیاری از کلمات در شعرهای بکناش، در نهایت بی‌دقتی و سهیل‌انگاری انتخاب شده‌اند و در بسیاری از

با نگاهی اجمالی به این سه مجموعه، می‌توان دریافت که متأسفانه بررسی دقیق و کارشناسانه ادبی و هنری از سوی ناشران در چاپ این مجموعه‌ها صورت نگرفته است و شاید تنها به صرف شناختی که از شاعر و آثار گذشته او وجود داشته، آثار مورد قبول قرار گرفته‌اند

به جز زیباتر کردن شعر، ایجاد لذت در مخاطب است. اگر صنایع ادبی به کار رفته در شعر کودک و نوجوان، برای او قابل درک و فهم نباشد، قطعاً او از خواندن شعر لذت نخواهد برد. در سه مجموعه مورد بحث، شاعر گاه از صنایعی استفاده کرده که بیشتر مناسب شعر بزرگسال هستند و درک آن برای مخاطبان این کتاب دشوار است؛ از جمله موارد زیر:

گربه مثل خواب
از سرش پرید
رنگ جوجه شد
ناگهان سفید
(در حیاط ما، ص ۱۱)



ایهام به کار رفته در بند فوق، در جمله «مثل خواب از سرش پرید»، برای کودک قابل درک نیست. دانه‌ها همه ناز می‌کنند مشّت خاک را باز می‌کنند (در حیاط ما، ص ۱۲)

ایهام به کار رفته در عبارات «مشّت خاک را باز می‌کنند»، برای کودک قابل دریافت نیست. در بند زیر نیز دریافت جناس میان کلمات «ختم» و «گل ختمی» سخت است و در نتیجه، مخاطب از این ارتباط لذت نخواهد برد:

فصل بهار از نو
رویدنش ختمی است
هر چند در پاییز
ختم گل ختمی است
(با دعای باران، ص ۲۳)

همچنین، ایهام به کار رفته در بند زیر، در عبارت «دست از سر کسی برداشتن» و «اصلاح سر» مناسب گروه سنی «ب» و «ج» نیست:

بابا نشسته
بر روی تخت است
اصلاح بابا
یک کار سخت است
□
می‌گوید الان
بابا به داداش
دست از سر من
بردار! بکتاش!
(یک سیب شیرین، ص ۸)

د- ابهام و تعلیق:

همان‌گونه که در سطور پیشین اشاره شد، شاعر کشف‌های زیبایی دارد که بسیاری از آن‌ها قابلیت شعر شدن برای کودک را ندارند. در بسیاری از شعرها که مایه اصلی آن همین کشف‌های شاعرانه است، بخشی از شعر، گویی در ذهن شاعر اتفاق افتاده است و ادامه را باید کودک حدس بزند! از آن‌جا که تمام سروده‌ها (در دو کتاب سوره مهر) در دو بند و بسیار کوتاه سروده شده‌اند، این ایجاز، بیش از آن که حُسن شعر به حساب آید، بر ایهام و تعلیق شعر افزوده و به اصطلاح ایجاز مُجَل است. به راستی، کودک دبستانی از خواندن این شعر چه چیزی دستگیرش می‌شود؟



دیشب کشیدم
بر روی دیوار
یک زنگ زیبا
با رنگ خودکار
□
امروز بابا
مشغول رنگ است
این بار آبی
یک ضد زنگ است

بکتاش، ظاهراً
این نکته را از یاد
برده که اولاً هر
کشف شاعرانه‌ای
قابلیت شعر شدن
برای کودک را ندارد
و ثانیاً برای بیان
چنین کشف‌هایی
در قالب شعر،
باید تسلط کامل
و کافی بر زبان
شعر - هم به‌طور
عام و هم زبان
خاص کودک - داشت.
در غیر این صورت،
ابتکار و خلاقیت
شاعر به هدر خواهد
رفت و مخاطب هم
نخواهد توانست
با آن ارتباط بگیرد و
از آن لذت ببرد

(یک سیب شیرین، ص ۹)

شعر «درد پنچری» نیز از جمله شعرهای دارای تعلیق و پیچیدگی است:

در حیاط ما

زد به هر دری

تا دوشنبه عصر

گشت بستری

□

چسب وصله زد

زد به او سری

چون دوچرخه داشت

درد پنچری

(در حیاط ما، ص ۱۰)

در شعرهای زیر نیز کودک متوجه نمی‌شود که آیا اشکال تاییبی در کتاب وجود دارد یا شاعر عمداً این‌گونه نوشته است (ظاهراً شاعر به عمد و از زبان کودکی که تازه حرف زدن را یاد گرفته، این‌گونه نوشته، اما این برای کودک دبستانی قابل درک و دریافت نیست:

داداش من گفت

قل می‌خورد شیب

میز تو دارد

یه عالمه شیب!

(یک سیب شیرین، ص ۷)

مشخص نیست کودکی که هنوز «س» را مثل «ش» تلفظ می‌کند، چه‌طور معنی کلمه «شیب» به معنای کجی را متوجه می‌شود؟! را ناگهان سحر

داد زد داداس

سایپرک سده

گیره لباس

(در حیاط ما، ص ۷)

در این بند نیز ضمن این‌که کلمه «سحر» معلوم نیست اسم خاص است یا قید، ظاهراً منظور شاعر این است که کودک نمی‌تواند حرف «ش» را تلفظ کند. این در حالی است که همین کودک احتمالاً ۲-۳ ساله، می‌تواند سایپرک روی بند رخت را به گیره لباس تشبیه کند! اگر این موارد ایراد چاپی هم باشند، باز با توجه به سن مخاطب، ایرادی جدی برای خواندن به شمار می‌روند.

در شعر دیگری می‌خوانیم:

آفریده‌ای

چند نقطه‌چین

گل کشیده‌ای

چند نقطه‌چین

(با دعای باران، ص ۱۲)

منظور شاعر از «نقطه‌چین» چیست؟ اگر می‌نوشت...

شاید می‌شد شعر را این‌گونه تأویل کرد که خدا چیزهای فراوانی آفریده و برای پرهیز از طولانی شدن ذکر آن‌ها... گذاشته شده، اما در شکل فوق، شعر کاملاً نامفهوم است.

ه - انتخاب موضوع‌های نامناسب:

هر موضوعی که قابلیت شعر شدن برای بزرگسال را دارد، برای کودک مناسب نیست. شاعر کودک باید به موضوع‌های مورد علاقه کودک توجه کند: سوژه‌هایی که در محیط اطراف او و زندگی‌اش وجود دارند و برایش ملموس، آشنا و قابل درک هستند. برخی از موضوع‌های انتخاب شده در سه کتاب مورد بحث، به هیچ وجه مناسب کودک نیستند. شاعر تلاش کرده بسیاری از موضوع‌های ذهنی و مفاهیم انتزاعی را از طریق مثال‌های عینی و قابل لمس برای کودکان بیان کند که این تلاش اغلب نتیجه‌بخش نبوده است.



شب، درد می‌کرد

دندان بابا

تا کاشت امروز

مصنوعی‌اش را

□

با لقمه داغ

با شربت سرد

اصلاً ندارد

دندان او درد

(یک سیب شیرین، ص ۱۰)

موضوعی که در شعر فوق مطرح شده، اصلاً دغدغه و مورد علاقه کودک نیست و به دنیای او مربوط نمی‌شود. از طرف دیگر در این شعر، به نوعی با تبلیغ برای دندان مصنوعی مواجه هستیم و شاید حتی این موضوع برای کودک بدآموزی داشته باشد؛ چرا که او فکر می‌کند دندانی که به هیچ عنوان درد نمی‌گیرد، لابد خیلی بهتر است!

در شعر دیگری با عنوان «ایمان خاک گلدان»، موضوع از این قرار است که گلدانی که در آن یک شاخه شمعدانی

بسیاری از کلمات در شعرهای بکتاش، در نهایت بی‌دقتی و سهل‌انگاری انتخاب شده‌اند و در بسیاری از موارد، تنها به صرف قافیه شدن کلمه‌ای با کلمه دیگر، بدون در نظر گرفتن نقش کلیدی واژه‌ها و بدون توجه به دایره واژگانی مخاطب و سطح درک و شناخت او گزینش شده‌اند

کاشته‌اند، ترک می‌خورد و گل پژمرده می‌شود. نتیجه‌گیری شاعر از این اتفاق، چیزی است که نه کودک با آن ارتباط برقرار می‌کند و نه برای او قابل لمس و درک است:

سوراخ کرده آن را
یک بچه کرم شیطان
زیرا ضعیف بوده
ایمان خاک گلدان!

(با دعای باران، ص ۱۸)

به راستی کودکی که یا هنوز به سن تکلیف نرسیده یا تازه به این عرصه گام نهاده است، چه برداشت و درکی از این بند می‌تواند داشته باشد؟



و- تصویرگری نامناسب:

می‌دانیم که در کتاب‌های گروه سنی پایین، تصویر اگر بر متن برتری نداشته باشد، حداقل دارای اهمیتی همسان با متن است؛ چرا که این گروه از مخاطبان، به تصاویر توجه فراوان دارند و بیان نیمی از مفاهیم در کتاب‌های این طیف، بر عهده تصویر است. به تصاویر کتاب «با دعای باران» کاری نداریم؛ چون ضعیف یا قوی، کودکانه و قابل درک هستند. اما در دو مجموعه «یک سیب شیرین» و «در حیاط ما» سبک تصویرگری به هیچ عنوان کودکانه نیست. در واقع این کتاب‌ها تصویرگری نشده‌اند، بلکه برای هر شعر از مجموعه‌ای از طرح‌های گرافیکی استفاده شده که نشانه‌شناسی و درک آن برای کودک مقطع دبستان دشوار و تا حدی غیر ممکن است. این نشانه‌ها گرچه به ظاهر ساده‌اند، هر کدام به تفسیر و ترجمه به زبان کودک نیاز دارند و تردیدی نیست که به جز تصویر روی جلد کتاب‌ها که در نهایت بی‌ذوقی و با ساده‌ترین برنامه‌های گرافیکی طراحی شده‌اند، کودک با هیچ کدام از تصاویر ارتباط برقرار نخواهد کرد.

حرف آخر:

از حق نباید گذشت که در مجموعه‌های مورد بحث، چند شعر زیبا و قابل تأمل هم هست که متأسفانه در میان

شعرهای نامناسب دیگر، کم‌تر به چشم می‌آید؛ از جمله شعرهای «باد مهربان» و «زیر آفتاب» از مجموعه «در حیاط ما» که، هم موضوع مناسبی دارند و هم زبان و بیان در عین شاعرانگی، ساده و کودکانه است و نیز شعرهای «ای خدای مهربان»، «ناگهان خدا» و «سلام خدا»، از مجموعه «با دعای باران».

تلاش برای انتقال مفاهیم دینی به زبان غیر مستقیم، به ویژه در کتاب «با دعای باران» نیز از ویژگی‌های مثبت کار غلامرضا بکتاش است که در برخی موارد موفق از کار درآمده. اما به نظر می‌رسد بکتاش برای رسیدن به زبان و بیانی یکدست، سالم و مناسب برای کودکان، راه درازی در پیش رو دارد. او باید تلاش کند به ذهن و زبان کودکان نزدیک‌تر شود و به ظرایف و دقایق نوشتن برای کودکان، شناخت و آگاهی بیشتری بیابد.

همان‌گونه که اشاره شد، بسیاری از کشف‌های شاعرانه و خلاقانه شاعر، به دلیل بیان نامناسب و ضعف‌های آشکار زبانی، به هدر رفته است. خوب است بکتاش از این پس، با دقت و وسواس بیشتری به بازنویسی و کار روی سروده‌هایش بپردازد تا بتواند به زبانی صیقل یافته و یکدست و مناسب برای مخاطبان خود دست یابد.

این نوشته را با شعر زیبای «ناگهان خدا» از مجموعه «با دعای باران» به پایان می‌رسانم:

کوه، اولش
مهربان نبود
ناگهان خدا
توی قلب او
رود را سرود

□
صخره اولش
سایبان نداشت
ناگهان خدا
پیش پای او
یک درخت کاشت

□
خاک، اولش
خنده‌ای نداشت
ناگهان خدا
توی دست او
لاله‌ای گذاشت

□
آدم اولش
هم زبان نداشت
ناگهان خدا
در دهان او
حرف را گذاشت

برخی از موضوع‌های انتخاب شده در سه کتاب

مورد بحث، به هیچ

وجه مناسب کودک

نیستند. شاعر

تلاش کرده

بسیاری از

موضوع‌های ذهنی

و مفاهیم انتزاعی را

از طریق مثال‌های

عینی و قابل لمس

برای کودکان بیان

کند که این تلاش

اغلب نتیجه‌بخش

نبوده است